



اندیشه و نظر

سیر روشنفکری در غرب

بخش دوم و پایانی
دکتر محمد لگنهاوزن

نکته‌هایی در مورد روشنفکری و

کلام جدید

۱. در زمینه قرائت و تفسیر کتاب مقدس سه گرایش وجود دارد:

- تعبد در برابر ظواهر کتاب (ظاهرگرایی)
- تفسیرهای هرمنوتیک از متون مقدس
- تأویل‌گرایی (شبه آنچه برخی از روشنفکران ایران از قرآن می‌کنند، به عنوان مثال «جن» به میکروب یا چرک معنا می‌شود).

۲. بسیاری از روشنفکران در ایران به دنبال نوعی لیبرالیسم هستند و به‌طور کلی دانشجویان و مردم در لیبرالیسم آزادی را می‌بینند، آن را جانمایه حیات می‌دانند و در پی آن هستند و بر نقدهایی که درباره لیبرالیسم شده است توجه ندارند.

۳. برخی از روشنفکران [غیر مذهبی] که از غرب دکتری گرفته‌اند، غرب زده می‌شوند. می‌خواهند خود را بنمایانند، ادعا دارند که به یافته‌های نوین و مهم دست پیدا کرده‌اند. وقتی عالمان دینی مردم را به تقید دینی فرا می‌خوانند، این اندیشه را کهنه تلقی می‌کنند و نازیبا جلوه می‌دهند. و در نتیجه درگیری‌های شدید بین آنها رخ می‌دهد.

۴. این فکر که هر آنچه در آیات و روایات آمده است قدیمی و ناکارآمد است، ناروا است. و از آن طرف این ادعا که همه چیز در کتاب و سنت وجود دارد و نیازی به دانش جدید نیست نادرست به نظر می‌رسد. شیوه صحیح آن است که بین حوزه و دانشگاه هماهنگی ایجاد شود. و مسائلی امروز یا توجه به آیات و روایات بررسی گردد.

۵. مسائلی چون ایمان گرایی، ارتباط معارف با هم، انتظار از دین، تضاد عقل و دین، تعارض علم و دین، بررسی‌های اساسی می‌طلبند. حساسیت نسبت به این مسائل که خاستگاه آنها غرب بوده است، در کشورهای چون ایران بسی شدیدتر از خود غرب به نظر می‌آید. برای حل این مسائل لازم است عالمان و روشنفکران را تحمل کنند و در حل آنها با هم بکوشند. باید توجه داشت که این کار مشکل و توانفرساست. مقایسه مفاهیم و اصطلاحاتی که در حوزه تفکر غربی وجود دارد با آنچه در اسلام آمده است، امر دشواری است. به عنوان نمونه مفهوم وحی (Revelation) فیض (grace)، (ends) در مسیحیت، با

معنای آن در اسلام و علوم اسلامی، تفاوت زیادی دارد.

یکی از دانشوران ایرانی با آن که مرد بزرگی است، در حوزه درس خوانده است و در دانشگاه غرب تحصیل کرده است و نوشته‌های خوبی دارد. درباره علم حضوری کتابش ناموفق است و درباره اندیشه متفکران در آن اموری را مطرح کرده است که درست نیست و نمایانگر آن است که این مقایسه کاری مشکل و بزرگ است، و وی نتوانسته مطلب را بفهمد و آن گونه که باید از قلمروها انتزاع کند و دریابد.

«لذت‌تسو» اندیشمندی بزرگ است که شایستگی‌های فولون دارد، اما مقایسه‌اش بین اگزیستانسیالیسم و اصالت وجود نامناسب است. حتی شاگردش که تحت نفوذ او هست این بخش از کار وی را نمی‌پذیرند.

در حال باید هدف دنبال شود و سعی گردد که انسان در فضاهای فکری به گمراهی نیفتد. باید دید آیا می‌توان چیزی از حوزه تفکر غربی انتزاع کرد و با مفاهیم اسلامی بیان داشت. و یامی توان از علوم اسلامی چیزی را انتزاع کرد که مناسب با مسایل آنها باشد و آن جا مطرح شود؟

در آمریکا کارهای دکتر نصر که از نظر فلسفی خیلی عمیق نیست، و بیشتر در تاریخ فلسفه کار کرده است، اما در این مورد کارهای خوب و موفق ارائه داده است. «ویلیام جیتیک» شاگرد آمریکایی دکتر نصر نیز در توضیح اندیشه ابن عربی به مفاهیمی که در غرب قابل فهم است، بسیار موفق بوده است. وی کتابی درباره «فتوحات مکیه» نوشته است و تقسیم‌بندی‌های زیبایی کرده است، با آن که کتاب ابن عربی فصلی در این باره ندارد. ولی وی از فتوحات در جاهای مختلف چیزهایی را انتزاع و جمع آوری کرده است. و با اندیشه‌ای که غربیان می‌فهمند آنها را تنظیم نموده است.

۶. در میان متکلمان جدید ایرانی آقای ملکیان، صادق لاریجانی، قنای ۱ کلام جدید غرب را خوب فهمیده و درک کرده‌اند و ملکیان بهتر از همه این مطلب را دریافته است. کارهای ملکیان و لاریجانی در این رشته، گرچه شروع حرکت است، اما باید خوشبین بود. انتظار حل همه مسایل با هم ناپجاست، حرکت در این ولای گام به گام است. و توجه بیشتر به جزئیات تاریخی مفاهیم در هر دو فرهنگ، موفقیت

متفکری می‌خواهد به سوالی جواب دهد، در حالی که سؤال رادرس متوجه نشده است. و یاسوالی را مطرح می‌کند بی‌آن که زمینه درست آن را بفهمد.^۳

در عین حال به نظر می‌آید فهم درست، نیازمند زمان است. این گونه بحثها گرچه ناقصند، اما برای دستیابی به مهارت و فهم عمیق باید مطرح گردند.

۹. برای جوابگویی به سوالات و شبهاتی که در ذهن جوانان مسلمان پدید می‌آید، و پاسخی روشن ندارد، بسی بجاست که از خود آنان انسان کمک بخواهد و در تلاشی منسجم با عالمان شیعه و روشنفکران و رجوع به کتاب و سنت شبهات زوده شود و شکها برطرف گردد.

نباید به مردم گفته شود: ما برای همه مسایل جواب داریم، هر شبهه‌ای را می‌توانیم حل کنیم... زیرا گاه مسایلی پیش می‌آید که انسان در گذشته اصلا به آنها توجه نداشته است، و یافتن جواب درست به آنها زمان می‌خواهد.

پاسخ به سوالات به شیوه مراجعه به کتابهای غربیان درباره دین، و آوردن آیه و روایت برای امضای آنها، نادرست و خطرناک است.^۴

۱۰. زندگی اجتماعی و تشکیل جامعه با آزادی مطلق سازگاری ندارد. اگر حقوق فرد اصيل داشته شود، نتیجه آزادی مطلق است. در تاریخ غرب چنین مسأله‌ای تحقق نیافت. در آن زمان همه مردم مسیحی بودند، به دستورات دین و رهنمودهای آن کم و بیش تقید داشتند. آن هنگام هم جنس‌بازی و آزادی فروش عکسهای زشت قابل تصور نبود. این چیزها حدود ۳۰ سال است که در غرب رواج یافته است. در آن وقت حضور دین برای تنظیم جامعه کافی بود. اکنون مردم گرچه مذهبی‌اند، اما به دستورات دین عمل نمی‌کنند، کار به جایی رسیده است که زندگی سالم بادشوارها روبروست. از بحث‌های داغ سیاسی امروزه این است: ساعت ۳ بعد از ظهر، هنگامی که دانش‌آموز از مدرسه به خانه می‌آید، تلویزیون نباید برنامه‌های زشت و سکس را نشان دهد. اما شبکه تلویزیونی می‌گوید ما مشتری‌های فرولان داریم، می‌خواهیم آزاد باشیم و سود ببریم - بحث مربوط به جامعه آمریکاست. به نظر



● به نظر من بهترین روش برای تبلیغ اسلام در غرب در زمان کنونی، عرفان است. مردم به گفته‌های عارفان گوش می‌کنند، مولوی را دوست دارند و علاقه به مولوی در غرب تقریباً مد شده است، چند مترجم مولوی در آن جا وجود دارد. هرگاه در تاریخ اسلام در کشورهای مختلف نظرافکنیم درمی‌یابیم که تصوف و عرفان نقش بسیار مهم داشته است. این اشتباه است که تصوف و عرفان، انحرافی قلمداد شود و شیوه زشت به حساب آید. بهترین تصوف چند فرقه منحرف شدند.

بهرتر و افرون تری را به همراه دارد.
۷. بسی خطاست که در کشورهای شرقی مانند ایران کسی سوالاتی را که در غرب مطرح شده است مطرح کند، و برای پاسخ به آنها، مسأله عقب ماندگی فنی و فقر فرهنگی و سطح پایین اطلاعات را به میان آورد و بدون پاسخ بایسته از آنها بگذرد. گاه دیده می‌شود یک استاد دانشگاه در رشته جامعه‌شناسی شاگردان خود را به فهم فکر پوزیتیویستی فرا می‌خواند. و وقتی به او گفته می‌شود چرا نقد این فکر را مطرح نمی‌کنند؟ (در زمان کنونی یکی از نقدهای مهم در غرب نقد اندیشه پوزیتیویستی است) جواب می‌دهد: هنوز مردم ما برای نقد آن آمادگی ندارند، باید نخست به فکر پوزیتیویستی برسند و پس از آن که همه پوزیتیویست شدند، می‌توان نقد آن را مطرح ساخت! چنین گفته‌ای هرگز قابل فهم نیست و بسی جای تعجب است که استادی چنین می‌اندیشد.^۵
۸. بحثهای کلامی جدید و سؤال و جوابها در این باره هنوز در کشور ایران آن چنان که باید، پخته نیست. گاه مشاهده می‌شود که

● ما مسلمانان برای معرفی اسلام در غرب تبلیغات درست و شایسته نداریم. من در سال اول که به ایران آمدم، به وزارت ارشاد رفتم و در یک مقاله کوچک راهکارهایی را برای تبلیغ اسلام در غرب یادآور شدم. همچنین در این باره سخنرانی کردم، همه آنچه را که گفته می شود، می پذیرند و بایسته می دانند، اما در عمل اقدامی نمی کنند و کاری انجام نمی دهند.

● مسایلی چون ایمان گرایی، ارتباط معارف باهم، انتظار از دین، تضاد عقل و دین، تعارض علم و دین، بررسیهای اساسی می طلبد. حساسیت نسبت به این مسایل که خاستگاه آنها غرب بوده است، در کشورهای چون ایران بسی شدیدتر از خود غرب به نظر می آید. برای حل این مسایل لازم است عالمان و روشنفکران را تحمل کنند و در حل آنها باهم بکوشند. باید توجه داشت که این کار مشکل و توانفرساست. مقایسه مفاهیم و اصطلاحاتی که در حوزه تفکر غربی وجود دارد با آنچه در اسلام آمده است، امر دشواری است. به عنوان نمونه مفهوم وحی (Revelation) فیض (grace)، (ends) در مسیحیت، با معنای آن در اسلام و علوم اسلامی، تفاوت زیادی دارد.

می رسد برای اصلاح جامعه لازم است، از بعضی حقوق افراد کاسته شود، و این امر با لیبرالیزم سازگار نیست. ۱۱. قرن ۱۹ در آمریکا فرقه جالبی به نام «مونت» پدید آمد که هنوز نیز وجود دارند. آنها ادعا دارند که مسیحی اند. بعضی آنان را به عنوان مسیحی قبول ندارند. «مونت ها» می گویند در قرن ۱۹ پیامبری به نام «جان سوسپس مفت» در آمریکا ظاهر کرد. یک فرشته کتابی در لوح طلا به او داد که ناپدید شده است. این فرقه عقیده دارد که این زمان، آخرین روزها پیش از قیامت است - این گفته در میان فرقه های پروتستان زیاد به چشم می خورد، گرچه اکثر پروتستانها این فرقه را به عنوان پروتستان نمی پذیرند - باید توبه کنیم، زندگی ساده در پیش گیریم و نشان دهیم که بنده خدا هستیم.

از امور قابل توجه که توسط این فرقه مطرح شد، این بود که گفتند: ما در کتاب مقدس می نگریم که پیامبران زنان زیادی داشتند، تعداد زنهای برخی از آنها به ۱۰ عدد می رسد. چرا کلیسا داشتن بیش از یک زن را ممنوع کرده است. باید این ممنوعیت را بردارد. در آن زمان دولت آمریکا - که اکنون دم از آزادی می زند - اعلام داشت همه کسانی که قائلند مردمی تواند بیش از یک زن بگیرد خواه مسلمان و خواه «مونت»، نباید در آمریکا زندگی کنند. این فرقه بر عقاید خود پایدار ماند تا این که دولت با آنها وارد گفتگو شد، رئیس آنان پذیرفت که مرد تنها می تواند یک زن داشته باشد در نتیجه در آمریکا ماندند، روابط آنها با دولت آمریکا بهبود یافت، و از آن جا که بسیاری از کارمندان سیاه ایالات «یوتا» از این فرقه اند، و ملت گرایی در این فرقه شدید است، دولت آمریکا را خیلی دوست دارند. اما در این میان اقلیتی از این فرقه جدا شدند و گفتند: دین می گوید می توان بیش از یک زن داشت. شما که منع می کنید در حق ما خیانت می کنید.

کاستی ها در شناساندن اسلام به دنیای غرب

ما مسلمانان برای معرفی اسلام در غرب تبلیغات درست و شایسته نداریم. من در سال اول که به ایران آمدم، به وزارت ارشاد رفتم و در یک مقاله کوچک راهکارهایی را برای تبلیغ

اسلام در غرب یادآور شدم، همچنین در این باره سخنرانی کردم، همه آنچه را که گفته می شود، می پذیرند و بایسته می دانند، اما در عمل اقدامی نمی کنند و کاری انجام نمی دهند. آن که می خواهد در این راستا هزینه عالی کند، مدرسه ای برای کودکان ایرانی در مغرب زمین می سازد، تا زبان فارسی را بیاموزند. زبان فارسی خوب و دوست داشتنی است، اما نمی توان آن را تبلیغ برای اسلام دانست. بسیاری از ایرانیها و دیگر مسلمانان گمان می کنند مسجد همچون کلوب است. جایی که افراد می توانند هموطنان خود را ببینند، و به زبان مادری - عربی، فارسی، اردو... - سخن بگویند.

در مساجد مسأله قدرت نیز مطرح است، به عنوان مثال اگر مسجد متعلق به شیعیان است دغدغه خاطر افراد این است که در آن ایرانیها بیشتر قدرت دارند یا لبنانیها و یا عراقیها و... هر گروه دینی قدرت خود است.

«عونعلی خلفان» از دوستان من در نیویورک واز شیعیان خوجه ۵ است و می خواست قرآن چاپ کند، برای کمک به هزینه چاپ قرآن به [...] که در آن زمان در نیویورک شعبه داشت - نامه نوشته بود، جواب نامه را به من نشان داد، در آن آمده بود: «ماهیچ بودجه ای برای تبلیغات اسلامی در این کشور نداریم!!» دانشجویانی که از ایران برای تحصیل به غرب فرستاده می شوند، وقتی از آنان سؤال می شود، برای تبلیغات اسلامی چه کرده اند، می گویند: مشغول درس هستیم، برای این کار وقت نداریم. و حال آن که وقت خاص نمی خواهد، وقتی انسان به سوپرمی رود، با صاحب خانه ارتباط دارد، با همکلاش صحبت می کند، می تواند کمی درباره اسلام و تشیع سخن بگوید. دست کم در ماه می تواند یک بار به مسجد برود، پای صحبت مردم بنشیند، و از امکانات فراوانی که برای تبلیغ اسلام در غرب وجود دارد استفاده کند، و به هدایت مردمان بپردازد.

برای تبلیغ اسلام در غرب ارتباط شخصی بسیار اهمیت دارد، هر کس به زبان انگلیسی مسلط گردد می تواند مبلغ اسلام شود. و اگر بتواند از شبکه کامپیوتر استفاده کند، در آن جافرت فراوان می یابد. بعضی از مسیحیان اسلام را نمی پذیرند، ولی می توان آنها را به

اسلام علاقه مند کرد. فردی در آمریکا است که ما از او برای مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی کتاب می خریم. وی مسیحی است، برایش خیلی شگفت آور بود که بنیادی در قم می خواهد کتابهای مذهبی درباره دین مسیح بخرد، علاقه به فلسفه غرب دارد، به کلام جدید علاقه مند است. خوشحال بود از این که مسلمانان چنین شیوه ای دارند و می گفت: من فکرمی کنم مسلمانان برادران واقعی ما هستند، همه مذهبی هستیم و دین در مقابل کفر است. منظورش این بود که اکنون فرهنگ غرب آلوده و آکنده از فساد و زشتی و پلیدی است. مردمان دیندار بجاست باهم همراه شوند، و بر ضد آن بستیزند. وی در ماه مبارک رمضان برای ما نماز فرستاد، در آن گفته بود: «می دانم که اکنون شما روزه اید، نمی دانم خرید کتاب برای کسی که روزه دارد ممنوع است یا نه؟!، اگر ممنوع است، اشکال ندارد، صبر می کنیم تا این ماه تمام شود».

من چند سال است که با وزارت ارشاد کار می کنم و به مطبوعات انگلیسی آنها مدد می رسانم. مجله های «اکوآف اسلام»، «محبوبه»، «التوحید»، «مسح آف ثقلین»، «حکمت» در آن به چاپ می رسد. دو مجله نخست برای توده مردم انتشار می یابد و بیشتر مطالب آنها سیاسی است. حرف سیاسی گرچه مهم است و باید دین سیاسی به غرب شناسانده شود، اما با شعار و مسخره کردن این کار عملی نیست.

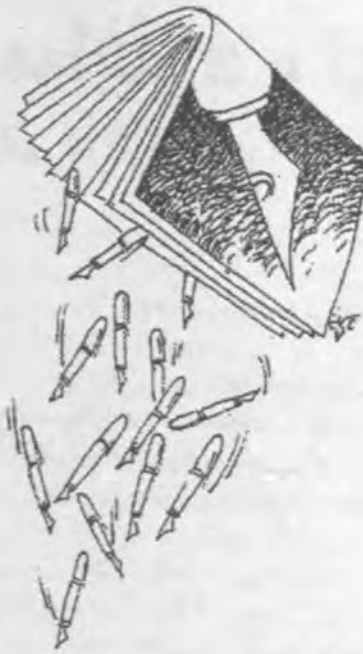
به نظر من بهترین روش برای تبلیغ اسلام در غرب در زمان کنونی، عرفان است. مردم به گفته های عارفان گوش می کنند، مولوی را دوست دارند و علاقه به مولوی در غرب تقریباً مد شده است، چند مترجم مولوی در آن جا وجود دارد. هرگاه در تاریخ اسلام در کشورهای مختلف نظر افکنیم درمی یابیم که تصوف و عرفان نقش بسیار مهم داشته است. این اشتباه است که تصوف و عرفان، انحرافی قلمنداد شود و شیوه زشت به حساب آید. بهتر آن است که گفته شود، در تصوف چند فرقه منحرف شدند. و گرنه اصل فکر تصوف از امامان (ع) است. کسی که می خواهد به تصوف درست دست یابد باید آثار شیعیان و مکتب تشیع را مطالعه کند. و به همین دلیل من در مقدمه ای که بر ترجمه شعر امام نوشته ام، گفته ام: اگر کسی

این گروه که «لویسه» نام دارد رفتیم، ماه رمضان و هنگام افطار بود. برای نماز اذان را تا «شهد ان امیر المؤمنین علیا ولی الله» گفتند، آن گاه برای نماز نشستند، یک حمد و سه قل هو الله خواندند.

من احساس کردم این فرقه در گذشته مسلمان بوده و اکنون اسلام را فراموش کرده است. این گروه به عنوان مسلمان و شیوه آنها به عنوان اسلام برای مردم معرفی می گردد - با آن که هیچ تقید دینی ندارند و خود را کاملاً آزاد می دانند - و از سوی دیگر، مسلمانان با تبلیغات فراوان، تروریست معرفی می شوند و این گونه وانمود می شود که تنها شعارشان «مرگ بر آمریکا» است و حرفهای شیرین برای گفتن ندارند.

پی نوشت ها

۱. پایان نامه وی در فلسفه اخلاق است و مقایسه ای با فکری اصولیان دارد.
۲. سال اول که به ایران آمدم، شخصی می گفت: هنوز توره و روشنفکری به ایران نیامده است. گویا منتظر بود اتفاقی بیفتد و می پنداشت همه آنچه در غرب رخ داده است باید در ایران تکرار شود. در حالی که چنین نخواهد شد. و خوب است نشود.
۳. به عنوان نمونه سوالی را که در غرب زمینه طرح دارد و مطرح می شود، به ایران که زمینه مناسب برای آن نیست، منتقل می کند.
۴. چندی پیش شخصی از آفریقا به قم آمده بود می خواست آیت الله مصباح را ببیند. وی در مسافرت بود و من با او ملاقات کردم. در ضمن گفت و گو، اظهار داشت: ما در آفریقا در باره معرفت شناسی و کلام جدید مشکلات داریم. در میان نوجوانان و جوانهای ما شبهات و اشکالاتی مطرح است. علمای ما در دار السلام به این سوالات آشنایی ندارند و نمی توانند جواب دهند. ما به فروشگاههای کتلهای دینی مسیحی می رویم، از آنجا کتاب می گیریم، مطالب را می نویسیم، و سپس برای تولید جوبها آیه و روایت می آوریم.
- به او گفتم: وای، وای، تبدیلین کار را بکنید، باید از خود آن جوانها کمک بخواهید.
۵. خوجهها اصالت هندی دارند که نخست روانه آفریقا گردید و از آن جا به جاهای مختلف انگلیس، فرانسه و... رفته اند تعدادی از آنها در نیویورک اقامت دارند.



به دنبال عرفان واقعی است به امام خمینی بنگرد امام با آن که عارفی بزرگ و ژرف اندیش است، رهبر یک انقلاب نیز هست. آنان که عرفان و سیاست را از هم جدا می دانند و جمع بین این دو را متکوند راهی به خطا رفته اند. اسلام واقعی همان است که در علی (ع) تجسم یافت. او با آن که عارف درجه اول است یک سیاستمدار برجسته نیز بوده است و در عین حال متکلمی بزرگ و فیلسوفی بی نظیر دانسته می شود.

در حکومت اسلامی همین اندیشه باید رواج یابد، امام خمینی چنین بود، و بسیاری از عالمان دینی این گونه اند. چندی پیش نزد یکی از علما بودم، مطالبی درباره متنوی می گفت بسیار دلنشین. اگر مردم آمریکا می دانستند چون او در ایران وجود دارد، برایشان جالب بود، می دیدند که عالمان شیعه مولوی شناسند.

جای تأسف است که فردی چون [...] در آمریکا خانقاه درست کرده است، و با آن که خود مذهبی نیست و تقید دینی ندارد ادعا می کند که شیوه او عرفان اسلامی است. و یا گروه دیگری به عنوان عارفان مسلمان هستند که حتی نماز و اذان را نمی دانند. روزی به خانقاه

